

راه نجات در گیتا

مصطفی فرهودی

مقدمه

از آنجا که این مقاله متناسب با فضای فکری آیین هندو نوشته شده است، برای فهم بهتر مطالب، نخست به طور گذرا به معرفی گیتا، عوامل معقولیت، ویژگی و سبک نگارش گیتا و اهداف آن و همچنین توضیح مفاهیمی چون درمه می‌پردازیم.

آیین هندو مشتمل بر آیین‌های محلی و سنت‌هایی اعتقادی و عبادی است، اما نه به گونه‌ای که چون دینی آسمانی، دارای پیامبری مشخص و آیین عبادی واحدی باشد. به همین سبب نمی‌توان از این آیین تعریفی دقیق و کامل به دست داد؛ تنها می‌توان گفت: آیین هندو برآیند اندیشه‌های گوناگونی است که رهروان هندی را ارضا می‌کند. لایه‌های درونی این آیین همانند آیین‌های دیگر، بسیار متفاوت‌تر و پرمعزتر از ظاهر آن است؛ گرچه در طول سالیان، دستخوش آشفتگی‌ها و گرایش‌هایی چون گوشه‌گیری و بت‌پرستی نیز شده است. در میان آیین‌ها و مسلک‌های گوناگون جهان، آیین هندو مانند انبان بازرگان شرقی دوره‌گردی، انباشته از اشیای بسیار زیبای نفیس و عتیقه است.

همین ویژگی سبب شده است که این آیین، احساسات دینی و عواطف مذهبی را تا حدی دارا باشد. آنچه در این آیین از اهمیتی ویژه برخوردار است، سنه‌ته درمه^۱ است.

سنة تهرمه بیانگر حقیقتی تکوینی است که در همه جا و همه چیز حضور دارد.^۱ این یک قانون جهانی است و همه ایجاد و ابقا و افنای جهان و جهانیان مطابق این قانون است.

معرفی گیتا

گسترده‌گی آیین و سنن عبادی هندوئیسم، موجب پدید آمدن متون فراوانی گشته است. از آن جمله می‌توان گیتا^۲ را نام برد که ششمین کتاب از مجموعه حماسه مهابهاراته^۳ است. گیتا در قالب هجده بخش و هفتصد شعر تنظیم گردیده است.

این اثر که ترکیبی از آموزه‌های فلسفی سانکیه،^۴ یوگا،^۵ ویداته^۶ است، تأثیر فراوانی بر زندگی مذهبی هندیان نهاده است. گیتا نیرویی هدایت‌کننده و الهام‌بخش برای مردمان آن سرزمین بوده است، به گونه‌ای که هیچ کتابی تا این حد بر آنان تأثیر نهاده بود.

گیتا در زمره نوشته‌های سمرتی^۷ است، نه نوشته‌های مُنزل (شروتی)؛^۸ ولی در ادبیات

1. cf. *A Dictionary of Hinduism*

۲. تاریخ تألیف این سروده را از سده پنجم تا میانه سده دوم پیش از میلاد تخمین زده‌اند؛ ولی مؤلف آن، همانند مؤلف اروپانشادها و وداها، تاکنون ناشناخته مانده است.

3. Mahabharata

۴. یکی از مکاتب فلسفی شش‌گانه هند است که کپله (*kapila*) آن را بنیان گذاشت. این دستگاه که به یک معنا دوگرا یا دوالیست است، اساس جهان را بر اساس علت استوار می‌داند، به این نحو که در جهان دو اصل یا دو مفهوم بنیادی است؛ یکی پورشه *Purusha* (خود) یا باشنده‌های جاوید، و پراکرتی *Prakriti* (ماده ازلی) سرچشمه مادی و فیزیکی طبیعت. بر طبق سانکیه، همه جهان از پراکرتی تکامل می‌یابد و تحت تأثیر پورشه پراکرتی شکفته می‌گردد و تاریخ جهان تاریخ این شکفته شدن است (ک. م. سن، هندوئیسم، ترجمه ع. پاشایی، ص ۱۰۱).

۵. مفهوم یوگا اتحاد و وصل خویش است. به گفته سری اربیندو، در یک معنا سیر هستی سراسر یوگا است؛ زیرا انسان را به سوی خدا و در واقع کل آفرینش را به سوی آفریدگار می‌برد، اما این روند کند و آهسته است و یوگا می‌تواند آن را تسریع کند (رک: علی محمد نقوی، سیری در اندیشه معاصر هند و دورسای فلسفی آن، ج ۱، ص ۸۶۷-۸۶۸).

۶. یکی از مکاتب فلسفی شش‌گانه هند است. این مکتب معرف تعلیمات اوپه‌نیشدها است. واژه ویداته از دو جزء *Veda* و *anta* - درست شده است و روی هم رفته به معنای «ته» و «انتها»ی وداهاست. دو تقسیم اصلی در مکتب ویداته وجود دارد: یکی که در نظر خود دوئی را نمی‌پذیرد (نادوئی یا ادوئیه *Adbaita* است)، یعنی جهان بیرونی، واقعی نیست و تنها برهمن واقعیت است. چیزهای بیرونی مطلقاً به جان ما بسته است، و خواب‌ها کم یا بیش همان آزمون‌های بیداری است. کل جهان یکسره پندار است و جز برهمن هیچ نیست؛ و دیگری که پذیرنده درجات گوناگون دوئی *dvaita* است. این گروه در واقع هستی جهان واقعی را نیز نمی‌پذیرد و بدین سان باشنده سومی را معرفی می‌کند. البته برهمن یا خدای (ویشنو) تمام، کامل، و برترین واقعیت است، ولی جهان نیز واقعی است. (رک: ک. م. سن، پیشین، ص ۱۰۴ و ۲۰۸).

7. smrti

۸. *shruti*: شروتی در آیین هندو به وداهای چهارگانه، رسائل برهماانا و اوپه‌نیشدها گفته می‌شود و ریشه لغوی این کلمه (*sur*) است که معنای آن اشراق، سمع و شنیدن است.

مقدس هندوان از مقامی بس والا و ارجمند برخوردار است و فلسفه عمیق آن، هزاران سال است که پژوهشگران غربی و شرقی را شیفته خود ساخته است. رادا کریشنان^۱ می‌گوید:

اگر تأثیری که نوشته‌های مقدس در ذهن مردمان دارد، بتواند میزان و معیار اهمیت آن به شمار آید، باید اذعان و اعتراف کرد که کتاب بهگوت گیتا (ترانه مقدس الهی) بیش از هر اثر دیگر در اندیشه هندوان جایگزین شده و تأثیر گذاشته است.^۲

سبک نگارش این اثر حماسی است و موضوع آن درباره نبرد است که بین دو قوم پاندوها و کوروها حوالی شهر دهلی کنونی در گرفته بود.

محور اصلی گیتا را گفت‌وگوی کریشنه و آرجونه^۳ تشکیل می‌دهد. کریشنه^۴ نماد خداوند یا تجسم ویشنو است که با دو طرف درگیر پاندوان و کوروها به طور مساوی بستگی و خویشاوندی داشت و هر دو او را به کمک فراخواندند. کریشنه با تمام افراد و نیروهایش حاضر شد و به دو طرف اختیار داد که یکی از دو طرف را برگزینند، یعنی یا خود او را برگزینند که در این صورت از لشکر او محروم‌اند و یا لشکر و نیروهای او را بر کریشنه ترجیح دهند که در نتیجه از عنایت وی محروم‌اند. آرجونه گفت: من تو را می‌خواهم و نیازی به افراد و نیروهای ندارم. کوروها نیز لشکر کریشنه را انتخاب کردند. کوروها در این‌جا نماد نگرش عاجل دانی و مادی‌اند و آرجونه که از پاندوان است نماد نگرش معنوی و اخلاص محض به ویشنو است. انسانی که به این مقام می‌رسد، از کمک و عنایت ویشنو برخوردار می‌گردد.

کتاب تصویری رمزی و تمثیلی از مسائل معنوی ارائه می‌دهد و مطالب آن نمایشگر دغدغه‌های انسانی است که در تکاپوی نجات و حقیقت است. به نظر می‌رسد که نویسنده جنگ را بهانه‌ای برای عرضه اندیشه‌های خود قرار داده است، همان‌گونه که شاعران و عارفان ایران‌زمین، افسانه سیمرغ و داستان لیلی و مجنون و قصه خسرو و شیرین و حکایت یوسف و زلیخا را دستاویزی برای بیان افکار و اندیشه‌های خود قرار

۱. Rādhākṛishnan؛ وی را یکی از شارحان آیین هندو بر می‌شمارند. وی پیش از آن که فیلسوفی مستقل باشد شارح فلسفه ویدانته است. از ویژگی‌های او این بود که به فلسفه غرب آشنایی کامل داشت. او را فیلسوف دین هم می‌دانند؛ چرا که تلاش‌های فراوانی برای تبیین و توضیح آیین هندو کرده است. (رک: علی محمد نقوی، پیشین، ج ۲، ص ۹۱۲).

۲. جلالی نائینی، هند در یک نگاه، ص ۴۱۳.

داده‌اند. گیتا نگرشی ژرف از هستی و دنیا در عرفان هندی ارائه می‌دهد که عبارت از عشق و عمل خالصانه است. این کتاب منبعی موثق و مرجعی اصیل برای شناخت آرا و افکار هندی به شمار می‌آید. دانشمندان ادیان دربارهٔ اهداف گیتا سخنانی دارند که در این جا چکیدهٔ آن را ذکر می‌کنیم:

زنر^۱ قائل است که هدف گیتا اتحاد انسان با خدا است و مراحل دست‌یابی به آن مقام عبارت است از رهایی کامل از عوامل دنیوی و دست‌یافتن به آرامش و سکون. راتو نیز معتقد است، هدف گیتا اتحاد انسان با خداست؛ به این معنا که رهرو واصل، فناپذیر می‌شود و به سرور و لذت ابدی که همان رستگاری و رهایی است، دست می‌یابد.^۲ رادا کریشنان معتقد است که گیتا اهداف متنوعی دارد. او سه هدف عمده را برمی‌شمرد: (۱) دست‌یابی به وجود اعلا؛ (۲) رسیدن انسان به مقامی که همهٔ عالم را در خدا ببیند؛ (۳) رستگاری و نجات.

همان‌گونه که ذکر شد، گیتا از دیرزمان نزد هندوان مقبولیتی خاص داشت. دلایل و عوامل این مقبولیت را می‌توان این‌گونه بیان کرد:

الف) گیتا سخنی بس دلکش دربارهٔ حقیقت عالم دارد و شاید بتوان دلیل بقای این متن و دیگر متون دینی - حتی غیر آسمانی - را در این دانست که این متون دائماً یادآور آن حقیقت نهایی‌اند و انسان را به سوی آن سوق می‌دهند و چراغ راه هدایت آدمی در این دنیای آشفته هستند.

ب) آریاییان نگرشی ساده و ابتدایی به موجودات و حقیقت داشتند و ذهنشان همواره درصدد ایجاد سنتز بود؛ مثلاً در ودا آمده است: «حقیقت یکی است؛ ولی حکیمان آن را به تعابیر گوناگون و تفاسیر مختلف بیان کرده‌اند». اوپه‌نشیدها نیز نهایی‌ترین مطالب را دربارهٔ حقیقت گفته است؛ ولی واقعیت امر آن است که گیتا تمام دیدگاه‌ها و نظرات مختلف را به صورت شکن‌ها و تجلیات و اجزای یک حقیقت در قالب یک امر بیان کرده است. در نگاه نخست این متن مشحون از تناقض به نظر می‌رسد؛ اما این صورت ظاهر امر است و در واقع چنین نیست.

1. Zaehner

۲. سید جلال‌الدین آشتیانی، عرفان گوستی سیزم - میستی سیزم، ج ۴، ص ۲۳۹.

ج) سبک گیتا برای عوام و خواص مفید است، به خلاف وداکه از این ویژگی برخوردار نیست. اویه نشیده‌ها نیز بیشتر برای حکیمان متأله قابل فهم است؛ زیرا مباحثی از قبیل برهمن^۱ و آتمن^۲ و فلسفه وحدت وجود برای عموم جاذبه‌ای ندارد. از سوی دیگر، رسائل پورانه‌ها برای عوام جاذبه دارد، نه برای خواص. بنابراین، تنها متنی که هم عوام و هم خواص را به سوی خود جذب می‌کند، گیتاست؛ زیرا این کتاب مسائل متفاوت و گوناگونی را از همه معارف و مکتب‌ها دربردارد.

د) از عوامل مقبولیت گیتا دارا بودن عنصر جهانی بودن است که در بند اول ذکر شد. این کتاب نظریه وحدت وجود و بحث رستگاری از طریق عمل را که در همه ادیان مطرح است، بررسی می‌کند.

ه) سبب دیگر، تخاطب شخصی آن است؛ هر خواننده‌ای با خواندن آن حس می‌کند که پاسخی برای مشکل خود یافته است. این ویژگی در متون ادبی فارسی مانند مثنوی مولوی و دیوان حافظ نیز دیده می‌شود.

گیتا سه راه عمل، علم (معرفت) و عشق را برای نجات (مؤکشه)^۳ انسان بیان می‌کند؛ مؤکشه یعنی آزادی از بازگشت دائمی به جهان فانی و رهایی از تسلسل مرگ و حیات که از آن به سنساره^۴ تعبیر می‌شود. این نجات به موجب اتحاد با خدا و شناخت حقیقت نهایی می‌شود.^۵ کربشنه این سه راه را به همراه مراقبه به آرجونه می‌آموزد. مراقبه در گیتا یعنی تصفیه باطن و عدم تعلق به محسوسات، رو به سوی حق داشتن، مواظبت از حواس و اندیشه درون، عدم دلبستگی به اعمال و نتایج آن و داشتن حالت مساوی نسبت به دوستی و دشمنی دیگران. به کارگیری^۶ یوگا^۷ یعنی تمرکز و توجه به نقطه‌ای برای از بین بردن موجات ذهنی. بر اساس تعریف پاتانجالی،^۸ یوگا یعنی حذف و قطع مراتب نفسانی و ذهنی و عقلانی، یا خاموش نگاه داشتن همه مراتب نفسانی که موجب تشتت و آشفتگی می‌گردد. برای آن که یوگی^۹ به حقیقت نهایی برسد، لازم است مراحل چهارگانه

1. Brahman

2. Ātmán

3. Moksha

4. sansāra

5. "Moksha", *The Encyclopedia of Eastern Philosophy and Religion*.

۷. یوج (yuj)

۶. رک: گیتا، فصل ۶.

۸. پاتانجالی سازمان‌دهنده و تدوینگر یک اندیشه نامدوّن یوگا است که دارای ریشه کهنی است. وی در قرن دوم قبل از میلاد

۹. به کسی می‌گویند که اعمال یوگا را انجام می‌دهد.

می‌زیست.

زندگی یک هندو را طی کند.^۱ ۱. برهماچارین^۲ که شامل طلبگی و تحصیل تحمل و معرفت است؛ ۲. گریهاستا^۳ یعنی یادگیری وظایف قومی و خانوادگی؛ ۳. واناستا^۴ یعنی اقامت در جنگل و ترک دنیا و تزکیه نفس؛ ۴. بهیکشو^۵ یا دوره گدایی. اکنون به راه‌های سه‌گانه‌ای می‌پردازیم که در گیتا برای نجات انسان مطرح گردیده است.

۱. نجات از طریق عمل (کر مه یوگا *karma Yoga*)

رامانوجه^۶ معتقد است که روش کردار و عمل، بر روش معرفت مقدم است؛ زیرا روش عمل سرانجام به معرفت خویشتن می‌انجامد و هر آن که به روش معرفت بپیوندد، ناگزیر باید وظایف شرعی و ضروری خویش را هم انجام دهد. پس از انجام درست این وظایف، انسان به معرفت و روشنائی یقین می‌رسد. برای رسیدن به غایت نهایی یا نجات در روش عمل، فاعل باید ویژگی‌هایی را در نظر بگیرد. در فصل چهارم گیتا آمده است: دانایان در فهم عمل و ترک آن ناتوانند و نمی‌دانند چه باید کرد و چه نباید انجام داد. ولی من، کرشنا، به تو، آرجونا خواهم گفتم.

حتی دانایان حیران‌اند و نمی‌دانند که عمل چیست و ترک عمل کدام است.

اینک من تو را گویم که عمل چیست تا با دانستن آن از پلیدی‌ها برهی.

باید دانست که چه کار را باید کرد؟

و چه کار را نباید کرد؟

و ترک کار چیست؟

شناختن حقیقت عمل سخت و دشوار است.

گیتا در ادامه می‌گوید: «کسی که رهرو منزل یوگا و طالب تصفیة باطن باشد، عمل یگانه راه اوست». قبل از شناخت ویژگی‌های عمل به اقسام آن در گیتا می‌پردازیم: (الف) عملی که از سر نادانی انجام شود؛ در فصل هجدهم گیتا آمده است: (عملی که

۱. داریوش شایگان، ادیان و مکب‌های فلسفی هند، ص ۲۹۵.

2. Brahmacharin

3. Grihastha

4. Vanastha

5. Bhiksho

۶. رامانوجه حکیم ودانتایی و بانی فلسفه وی‌شیسته ادویته یا «عدم ثنویت تعدیل یافته» است. وی دارای تفسیری متفاوت با آنچه قائلان ادویته مطرح می‌کنند، می‌باشد. او معتقد است که جهان، آتمن، خدا (ایشوره *ishvara*) از هم متمایزند، گویا این که جدا نیستند. جهان‌های ما و جهان واقعی مثل تن خدا هستند و ایشوره دارای این دو برهمن است. بدین سان، همه چیز در برهمن است اما جان‌های ما همچنان متفاوت از ایشوره‌اند (رک: ک. م. سن، پیشین، ص ۱۰۵-۱۰۶).

از نادانی و عدم عاقبت‌اندیشی به جای آورده شود، بی آن‌که اندازه‌توانایی شخص یا زبانی که از آن به خود شخص یا به دیگران می‌رسد مورد نظر قرار گیرد، از «تَمَس»^۱ است. (ب) عملی که به هوس نتیجه یا از روی پندار باشد؛ در همان فصل آمده است: عملی که به هوس نتیجه یا از روی پندار یا به تکلف بسیار انجام شود، از «رَجَس»^۲ است. (ج) عملی که انجام آن تکلیف آدمی است؛ در همان فصل آمده است: عملی که انجام آن تکلیف آدمی است، اگر بی شائبه دوستی و دشمنی و چشم‌داشت نتیجه و فارغ از هر تعلق انجام شود، از «سَتْوه»^۳ است.

منظور از عمل در طریقه نجات، همین نوع سوم است که مایه نجات و زمینه نور معرفت در انسان است. عمل زمانی ثمربخش است که فاعل آن از ثمره آن چشم‌پوشد و دل در گرو حق بندد و با جانی فارغ از تب و تاب به نبرد با اهریمن درون و برون برخیزد؛ که محور همه این امور اخلاص محض است؛ و باید عاری از آز و خشم باشد که گیتا سرچشمه همه گناهان را در این دو می‌داند. گیتا می‌گوید: «یوگی یا انسانی که می‌خواهد به کمال برسد، از این عمل ناگزیر است». در فصل سوم آمده است:

با خودداری از عمل، به مرحله فارغ از عمل نتوان رسید.

ترک عمل کسی را به کمال نرساند.

در واقع هیچ‌کس نمی‌تواند حتی یک دم از پرداختن به کار سرباز زند.

چه، همه کس به مقتضای خود از عمل ناگزیر باشد.

و آن‌که اعضای خود را از کار بازداشته،

دل به اندیشه درباره اشیا و محسوسات مشغول سازد،

سرگشته‌مردی ریاکار باشد.

همچنین گیتا برای عمل، شرطی اساسی، مانند دل‌بسته نبودن به نتیجه آن ذکر می‌کند، یعنی کار باید برای رضای خدا باشد؛ در غیر این صورت مایه خسران و گرفتاری است. در فصل سوم چنین آمده است: «عمل که نه برای خشنودی خدا باشد مایه گرفتاری

۱. Tamas؛ نفس جوهر تاریکی و سکون یا تمایل نزولی است که پدیدآورنده نادانی و عامل گمراهی همه موجودات است (رک: دارپوش شایگان، پیشین، ص ۳۰۲).

۲. Rājas؛ جوهر تحرک یا تمایل انبساطی است که ایجادکننده عطش حیات و دل‌بستگی است. (رک: همان).

۳. Satva؛ در گیتا جوهر روشنایی یا تمایل تصاعدی است که درخشان و منزه است و انسان را به سوی معرفت و شادی و سرور (sukham) راهبر است (رک: همان).

است». در فصل چهارم گیتا آمده است:

او چون به قصد کاری برخیزد،
 نه چنان است که طرحی ریخته یا سودی در نظر گرفته باشد.
 عمل او در آتش علم گذاخته و پاک شده است.
 و دانایان چنین کسی را فرزانه نامند.
 کسی که هوس ثمره کار فرو گذاشته
 و به مقام رضای مطلق رسیده،
 بی نیاز از همه چیز.

او اگرچه مدام در کار است، همواره از کار فارغ است.

سالک این طریق در متن اجتماع به سر می برد، اما محور اندیشه او کسب رضای الهی است، بدین معنا که دل بسته به پیامد و نتیجه آن نباشد و هیچ چشم داشتی به نتیجه خوب و بد آن نداشته باشد و عمل را چون وظیفه مقدس انجام دهد.

۲. نجات از طریق علم (جنانه یوگا)

گیتا اسارت معنوی انسان را ناشی از جهل و نبود معرفت به حقایق عالم و سرشت خود و عالم خاکی می داند که پیامد آن جز جلوه گری نموده ها به جای بود و کثرت به جای وحدت، چیز دیگری نیست. در فصل پنجم گیتا چنین آمده است:

علم در حجاب جهل است،
 و همین است که مایه گمراهی مردمان می گردد.
 ولی برای کسی که نور معرفت پرده جهل او را دریده باشد،
 آن نور چون خورشیدی می درخشد و حق را روشن می سازد.
 عقل او و نفس او حق است.
 عبادت او و مراد او حق است.
 و او به زلال معرفت از هر پلیدی پاک گردد.
 و پس از مرگ دوباره به این دنیا بازگردانده نشود.

طریق معرفت به معنای معرفت عقلانی و نیز به معنای طریقت علم و معرفت است. در عرفان هندو، رهرو این طریق باید دو مرحله نغی و ایجاب را بگذراند: اول، رها شدن

از قیود نفسانی، شهوات، و تعصب‌های گوناگون و بی‌ریشه؛ و دوم، تکرار اذکار و اوراد و تمرکز و مراقبه، تا بتواند بر اندیشه و خرد خود مسلط گردد و به مرز شناخت و اشراق برسد، و این جاست که دانستن همان شدن است و از آن پس، وی قدرت و آرامش می‌یابد و از متناهی به نامتناهی رسیده، خود بی‌نهایت می‌گردد.

در چندین فصل از گیتا درباره معرفت سخن به میان آمده است. ابتدا کریشنه درباره اهمیت این راه سخن می‌گوید که این راز از هر دانشی بالاتر است. در فصل نهم چنین می‌گوید:

تا بدانستن آن از محنت بازگشت به دنیا رهایی یابی.

این والاترین دانش‌ها و راز رازها و پاک‌ترین پاک‌ها است

که با دریافت مستقیم و بی‌واسطه حاصل می‌شود.

دانش گرنامه‌ای که آسان به دست آید - و چون به دست آمد - جاودان بماند.

در همین فصل ثمره معرفت را از بین رفتن گناهان می‌داند؛ یعنی از بین رفتن شک و تحصیل آرامش مطلق.

علم در این راه نه به علوم تجربی^۱، بلکه به دانشی اطلاق می‌شود که بتواند انسان را از اسارت جهل و شهوت و فعل به‌درآورد. این دانش در نهاد آدمی است؛ اما با صیقل دادن آیینۀ جان باید آن را کشف کرد تا پذیرای نور شود. برای طهارت روح باید به ریاضت‌هایی شاق، مثل بازداشتن حواس و تمرکز هوش و مراقبه، در زمره عبادت عابدانه یا عاشقانه پرداخت تا برای سالک درک مستقیمی از ذات که موجب کمال است به دست آید. در غیر این صورت، او دوباره در دایره توالد به این دنیا برخواهد گشت.

رازی که گیتا در فصل نهم بیان می‌دارد، این است: من در جهان گسترده‌ام. تمامی موجودات در من هستند؛ ولی من در آن جای ندارم. خداوند فقط واقعیتی درونی نیست، بلکه واقعیتی است لایتنهای که ورای همه چیز است. او چون ریشه درخت جهانی، اساس و پایه جملۀ واقعیت‌های عالم است؛ بدین سان که خداوند متعال ورای همه اینها و نوعی نفی و سلب تمام صفات ثبوتی است. گیتا می‌گوید:

همه هستی را وجود نامرئی من فراگرفته است.

همه چیز در من محاط است و در هیچ چیز محاط نیستم.

با وجود این، هیچ چیز در من قرار ندارد.

رازی است شگفت

که ذات من، آن مبدأ همه هستی که نگه‌دارنده همه هستی است،

از همه هستی جداست و در آن نیست.

همچنین در گیتا مطالبی است که از جهاتی به بحث وحدت وجود عرفان اسلامی شبیه است. گیتا می‌گوید: تمام هستی را حق پر کرده و هستی سرشار از جلوه‌ها و تجلیات اوست. بر اساس همین بینش، همه در او مستقرند و او محیط است. لذا تمام حمدها و ستایش‌ها را به خود نسبت می‌دهد و می‌گوید ایشان در واقع مرا می‌پرستند. در فصل هفتم گیتا آمده است:

آغاز این عالم منم و انجام آن نیز من.

جز من، ای ارجونه، چیزی نیست.

همه عالم به من بسته است؛ چون دانه گوهر به رشته.

طعم آب منم.

روشنی ماه و خورشید منم.

در وداها کلمه «اوم» (اسم اعظم) منم.

زندگی زندگانم من.

هسته جاویدان موجوداتم من.

همچنین در فصل نهم جملات مشابهی از این دست وجود دارد:

مقصود منم. برپای‌دارنده و پروردگار منم.

شاهد و قرار، پناه و یار منم.

اصل هستی و فنای آن و مرجع و مآل آن و بذر جاودانه منم.

از دیدگاه گیتا، ویژگی سالکان کوی معرفت عبارت است از این‌که: اولاً هرکاری را برای خدا انجام می‌دهند؛ ثانیاً دارای روحی بزرگ و از کنترل دنیای مادی خارج‌اند. اینان در تحت طبیعت الهی قرار دارند که کوچک‌ترین تغییری نمی‌کند و در میان تحولات بی‌قرار عناصر همواره ساکن و ثابت می‌مانند. در فصل ششم گیتا آمده است: «کسی که هوای معرفت یوگا در سر دارد، از مرزهای وداها نیز فراتر می‌رود». در فصل هفتم آمده است:

ارجونه، چهار گروه از نیکوکاران مرا می پرستند:
محنت کشیدگان، جویندگان علم، دولث طلبان و عارفان.
از این میان، مرد دانش که خود را رام کرده و دل در تاریکی بسته بر دیگران فضیلت
دارد.

من نزد او بس عزیزم و او نیز نزد من عزیز است.
در ادامه این فصل آمده است: «انسان اهل معرفت درمی یابد، آنچه هست همه منم و
دل در گرو من می بندد».

در فصل نهم گیتا درباره قربانی معرفت چنین سخن به میان آمده است:
دیگران نیز که قربانی دانش پیش می آورند و مرا می پرستند،
گاهی مرا در همه چیز می بینند، گاهی از همه جدا و گاهی در صورت های مختلف.
«قربانی در گیتا به مراتب گوناگون منسوب است. در قربانی، نوعی تکامل وجودی و
قوس صعودی برای وصول به واقعیت دیده است که از قربانی مادی تا قربانی علم و
معرفت، انسان مدارج و مراتب عروجی وجودی را می پیماید، و این سیر تکامل معنوی
که در جهت طولی مراتب وجود، منعکس گردیده، از لحاظی نیز گرایش تدریجی قربانی
به واقعیت های درونی است و غایت آن اتحاد و وصال با ذات نامتناهی برهمن است.»^۱
گیتا موانع معرفت را خشم و حرص و آز می داند و می گوید این حالات مانع
دست یابی به معرفت اند. آن که این حالات در او راه یابد، معرفت وی تباه گردد. در فصل
سوم گیتا موانع معرفت چنین بیان شده است:

آز و خشم است که از شهوت برمی خیزد؛

آز و خشم سیری ناپذیر که منشأ همه گناهان بزرگ است.

این دشمنان خود را باز شناس!

بدان سان که دود آتش را فروپوشد،

و غبار آینه را،

و رحم مادر جنین را،

حرص نیز معرفت را فروپوشد،

معرفت بدین حجاب پوشیده شود.

ای پسر کنتی، این آتش تسکین‌ناپذیر حرص، دشمن جاودانهٔ مرد حکیم است.
 منزلگه این آتش حواس و دل و خرد است.
 حواس از راه دل و خرد، آدمی را که در قالب تن اسیر است می‌فریبد.
 و معرفت و بینش او را تباه می‌سازد.
 پس ای ارجونه، بند بر پای حواس بنه،
 و این تبهکار معرفت‌برانداز و بصیرت‌کش را از میان بردار!

در فصل نهم آمده است: «کسی که معرفت حاصل کند، دستخوش شک و تردید نخواهد شد. چون بر کشتی معرفت نشینی، از موج‌گناهان جان بدربری؛ چنان که آتش فروزان هیزم را خاکستر گرداند، آتش معرفت نیز همهٔ اعمال را خاکستر سازد».
 در پایان این طریقه، کریشنه می‌گوید: «این معرفت تنها برای عابدان پاک و سرسپردگان خالص است. اینان می‌توانند برخی از صفات تصورناشدنی روحانی کریشنه، آن علت تمام علل را بشناسند و تا حدی به توانگری‌های مطلق او، اعم از ثروت، قدرت، زیبایی، دانش و انقطاع پی برند». نکته‌ای که نباید از آن غافل شد آن است که در گیتا، یوگا (طریق کردار) و جنانه یوگا سانکها (طریق معرفت) از هم جدا نیستند، بلکه کودکان یا به عبارتی جاهلان آن را دوتا و جدا از هم می‌شمارند؛ زیرا نتیجهٔ معرفت، وارستگی یا بی‌نیازی از اعمال و عدم چشم‌داشت به ثمرات اعمال است. کسب این حالت از طریق کردار نیز میسر است. بدین‌سان، روح انسان پاکیزه می‌گردد و آدمی بر نفس خویش غالب می‌شود. آن‌گاه خویشتن را در همهٔ موجودات می‌یابد و به مرتبهٔ بی‌توجهی محض به نتایج اعمال می‌رسد. در واقع راه‌های گوناگون برای حالات و توانایی‌ها انسان‌ها طرح‌ریزی شده است. بین راه‌ها تفاوت جوهری وجود ندارد؛ چون طریق وظایف و طریق معرفت وابسته به هم و متکی به یکدیگرند.

۳. نجات از طریق عشق (بهکتی یوگا)^۱

راه سوم یعنی طریق عشق و محبت، در گیتا برترین راه دانسته شده است. شاید بتوان گفت ویژگی ممتاز گیتا در همین روش است، برخلاف متون اوپه‌نیشدها و متون دیگر که

^۱ Bhakti Yoga؛ در سنسکرت «بهکت» به معنای ارادت و عشق و محبت و پرستش مخلصانه و ارادت شدید به خداوند یا به یکی از آیات الهی است.

بیشتر طریق معرفت را توصیه می‌کنند. در فصل دوازدهم گیتا چنین آمده است: «آنان که روی دل بر من کرده، با عشق و ایمان کامل مرا بپرستند، در یوگا برترند». رهرو در این طریق، آرزوی معاشرت با حقیقت اعلا، خداوند، را دارد. بهکتی همان ریاضت عواطف و احساسات است. اگر عواطف و احساسات و محبت و علاقه که دارای نیرویی عظیم‌اند سمت و سوی درستی نداشته، افسار گسیخته باشند، چیزی جز دلهره و آشفتگی به ارمان نمی‌آورند، و در مقابل، اگر تحت تدبیر صحیح قرار گیرند، این سرمایه‌های الهی سرچشمهٔ وجد، سرور و آرامش دائمی می‌گردند.

این طریق، روح محبت و استغراق در ذات را می‌طلبد. سالک باید همه چیز را در پای معشوق نثار کند و هیچ انگیزه و اندیشه‌ای به غیر از حق در او موج نزند. مراحل مختلفی را برای رسیدن به این مقام ذکر کرده‌اند که عبارت است از: انجام مناسک و مراسم و تکرار اوراد و اذکار و مراقبه که با تمام وجود متوجه محبوب گردد و در صدد ریاضت و اشراق و کسب رضای او باشد.

رهرو این مرحله باید در جنبهٔ عمل و علم نیز باید سرآمد باشد. عملی وارسته داشته باشد و در علم به شناخت حقیقی نائل شده باشد. گیتا در فصل دوازدهم چنین می‌گوید:

ولی آنان که مرا می‌پرستند و همهٔ کار خود را به من وا می‌گذارند،

و مرا غایت مطلوب می‌دانند،

و دل، همه وقف ذکر و نیایش من می‌کنند،

ای پسر پریتا، من آنان را بی‌درنگ، از دریای مرگبار زندگی می‌رهانم.

هان، دل در اندیشهٔ من مستغرق ساز،

و خاطر در من بگمار،

تا پس از مرگ در من زندگی کنی.

در این طریق سه امر را باید بررسی کرد: عشق، عاشق، وجود معشوق.

الف) عشق یعنی از حد گذشتن در دوستی و یا کوری حس از درک عیوب محبوب. عشق صفت قدس است. معدن قدس از تغییر حوادث منزه است. همچنین عشق یعنی طریق الفت و ارتباط و تسلیم محض در برابر ارادهٔ خدا و محو حقیقت شدن و جز یکی را ندیدن.

ب) عاشق کسی است که خواستهٔ حق را بر هوا و هوس دنیا مقدم بدارد؛ خویشتن را

از هرگونه تعلق دنیوی، فارغ و از هرگونه استقلال شخصی، ساقط گرداند؛ هر پیشرفت و مقامی را مرهون فیض و لطف بی پایان حق بداند؛ دل را در ذات حق مستغرق سازد، بدین معنا که دل و ذهن انسان همیشه رو به سوی او داشته باشد؛ از حب و بغض نسبت به دیگران فارغ باشد؛ به خوشی و ناخوشی ملول و مسرور نگردد
 گیتا در فصل دوازدهم این گونه سخن می گوید:

با تسلط بر حواس خود همه چیز را به یک چشم می بینند،
 و به خیر دیگران شادمان می گردند.

مرا غایت مطلوب می دانند،

و دل را وقف ذکر و نیایش من می کنند.

آن که با هیچ مخلوقی کینه نورزد

و با همه آفریدگان دوست و مهربان باشد،

آن که از اندیشه خویش و مال خویش، رسته باشد،

آن که پیوسته خردمند و بر نفس خود چیره باشد،

آن که با عزمی جزم، دل و هوش خود را در اندیشه من گماشته باشد،

دل از پریشانی ها پرداخته،

تدبیر کار دنیا فرو گذاشته،

دل در من بسته،

روی دل به سوی من کرده

و مدح و قدح را به یک چشم نگریسته

آن که همه جا سرای اوست

و هیچ جا سرای او نیست.

و از سر ایمان و اعتقاد تمام،

مرا کمال مطلوب خود داند،

و نزد من گرامی است.

(ج) در گیتا وجود معشوق از بُعد تنزیهی در نظر گرفته شده است؛ یعنی از لحاظ واقعیت نامتناهی که ناظم و محمل و اساس کائنات و موجودات و مبدأ کلیه صور جهان است، به صورت مرشد و دوست عاشق است. این مرشد در گیتا «کربشنه» است که

لحظه‌ای از ارشاد مرید خود، آرجونه غفلت نمی‌کند.

در فصل دوازدهم گیتا آمده است: کسی که عاجز از تحصیل حالات عشق باشد می‌تواند طریق ادیاسه^۱ را که عبارت از توجّه مکرّر انسان به یک موضوع است، در پیش گیرد. این طریق مقابل طریق سمادی^۲ است که عبارت است از توجّه مدام و بی‌انقطاع و حالتی ورای بیداری، رؤیا، و خواب عمیق که در آن فعالیت‌های ذهنی را فرو می‌کشد. آنان که از ادیاسه نیز ناتوان‌اند، باید در اخلاص اصرار ورزند و در عمل بکوشند؛ چرا که این کار موجب کمالشان خواهد گردید. در فصل دوازدهم گیتا مطالب مذکور این‌گونه بیان شده است:

ولی اگر نتوانی همه در من مستغرق گردی، ای ارجونه،
 از راه «ادیاسه» پیش آی تا توفیق یابی
 و اگر ریاضت و ادیاسه نیز از تو بر نمی‌آید،
 در عمل کوش و نیت کن که هرچه کنی برای من کنی.
 چه، با عمل کردن برای خاطر من به کمال توانی رسید.
 و اگر از این نیز فرومانی،
 خویشتن را به من واگذار،
 بر نفس خود چیره باش و دل از سودای ثمره اعمال بپردار.

خاتمه

روح کلی نجات در این کتاب، سه راه علم، عمل و عشق است که در پرتو وحدت وجود قابل جست‌وجو و دست‌یابی است. جوهرهٔ این سه راه نیز در خدمت عاشقانه نهفته است که در فصل هجدهم از آن به محرمانه‌ترین راه دانش یاد شده است. در هنگام تحلیل به نظر می‌رسد که عمل و علم و عشق سه راه‌اند و هر یک از آنها جداگانه بدون احتیاج به دو طریق دیگر قابل اجرا است، ولی با نگاه دقیق در می‌یابیم آن‌جا که سخن از عمل بی‌قصد (خالصانه) است سالک هیچ‌گاه بدون معرفت به حقیقت عالم و نیز بدون دل‌دادگی و سرسپردگی به حق، توانِ بار یافتن به طریق عمل را ندارد. در طریق علم هم همین‌طور است؛ معرفت بدون عمل ره به جایی نمی‌برد. از ویژگی‌های گیتا این است که هیچ‌گاه شریعت را فروگذار نکرده است، بلکه همواره اذکار و اوراد و صدقه و قربانی و

مانند آنها را گوشزد می‌کند. در فصل پنجم گیتا، آرجونه سر به اعتراض برمی‌دارد و می‌گوید: «کرشنا، تو گاهی سخن از ترک عمل می‌گویی و گاهی عمل را می‌ستایی. هان، یکبار، بگو که کدام یک از این دو بهتر است؟» کریشنه در جواب می‌گوید: «کودکان و نه خردمندان علم را از عمل جدا می‌دانند، لیکن به حقیقت آن‌که یکی از این دو را داشته باشد دیگری را نیز دارد.» در ادامه، کریشنه می‌گوید: «این حقیقت را کسی تواند دریافت که علم و عمل را یکی ببیند.» طریق عشق نیز چنین است: کسی سرآمد این کوی است که عملی وارسته از آرزوها و پی آمدها و نتیجه داشته باشد و در مرحله علم هم به مقامی برسد که فقط او را ببیند و این دو را با گوهر محبت درآمیزد، تا آن‌که به مقام وصال که هدف نهایی خلقت جز این نیست، برسد و از آرامشی ابدی و وجد و سرور جاویدان بهره‌مند گردد. گیتا در فصل یازدهم می‌گوید:

اما آن‌که در محبت صادق باشد،

تواند که مرا بشناسد

و ببیند

و در من راه یابد.

گیتا در وصف عارفان در فصل پنجم چنین می‌گوید:

این مردمان که همه چیز در ضمیرشان یکسان است،

حتی در این جهان بر جهان، پیروز آیند؛

و چون حق، منزّه از عیب، و دگرگونی ناپذیر است

این مردان در ذات حق قرار و آرام یابند.

عارف که به حق واصل شده باشد

با دلی آرام و فارغ از تشویق،

نه به خوشی شادمان گردد

و به ناخوشی پژمان گردد.

با دلی که در برخورد با عالم خارج، مرده و بی‌حس است،

خوشی را در جان خود یابد.

و با خاطری مستغرقِ یادِ حق

به سرور جاویدان رسد.

سه گانه بودن طریق بر تفاوت جوهری آنان دلالت ندارد، بلکه این سه گانگی به حسب استعدادهای رهروان کوی حق است؛ همان گونه که در فراگرفتن علم راه های مختلفی وجود دارد، در طریق سلوک هم همین طور است. برای ورود به راه و طی طریق، رهرو بر حسب توانایی درونی و گرایش های قلبی، یکی از راه ها را انتخاب می کند و اگر مرشدی طریقی را توصیه می کند می تواند دو دلیل داشته باشد: اولاً شاید بر حسب تجربه شخصی مرشد باشد که به این مرحله رسیده است و این راه را نزدیک تر به مقصود تشخیص دهد؛ ثانیاً، همان گونه که گفته شد، شاید به حسب استعداد رهرو طریقی خاص را به او توصیه کند؛ مثلاً اگر رهروی را به راه عمل تشویق کنند، او بر حسب انجام دستورهایی که داده شده است، به مرور زمان از نور معرفت بهره مند می گردد و عواطف و علایق او بر اثر عمل و معرفت، به حق گرایش پیدا می کند؛ ولی وقتی رهرو به مرحله انقطاع رسید، در آن مرحله هر سه راه رنگ می بازند و در آن جا حقیقت مشاهده می گردد و سالک حتی عمل خود را نمی بیند و عقل و نفس او حق می شود و هر چه را بیند و انجام دهد به خدا نسبت می دهد. گیتا در فصل پنجم این طور می گوید:

آن که جانش با جان حق یکی گشته

ثمره عمل را فرو می گذارد

و به آرامش مطلق می رسد...

و به کارگیری طریق معرفت همانند به کارگیری طریق عمل باعث می شود سمت و سوی عمل رهرو، و حب و عشق او به سوی حق گردد. گیتا در همان فصل چنین می گوید:

ولی برای کسی که نور معرفت پرده جهل او را دریده باشد

آن نور چون خورشید می درخشد و حق را روشن می سازد.

عقل او و نفس او حق است.

عبادت و مراد او حق است.

کتاب‌نامه

۱. گیتا، یا سرود خدا یان، ترجمه محمدعلی موحد، انتشارات خوارزمی، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
۲. آشتیانی، جلال‌الدین: عرفان گنوستی سیزم، میستی سیزم، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۳. جلالی نائینی، محمدرضا: هند در یک نگاه، انتشارات شیرازه، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۴. شایگان، داریوش: ادیان و مکتبهای فلسفی هند، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۲.
۵. ک. م. سن. هندوئیسم، ترجمه ع. پاشایی، انتشارات فکر روز، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
۶. نقوی، سیدعلی محمد: سیری در اندیشه معاصر هند و دورنمای فلسفی آن، ج ۱، راینزی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دهلی نو.

7. *A Dictionary of Hinduism*, Routledge & Kegan Paul, 1985.

8. *The Encyclopedia of Eastern Philosophy and Religion*, 1994 Shambhala Publications.